

Stylistic analysis of Surah Mubarakah Ghashieh

(Received: 2022-11-06 Accepted: 2023-01-09)

Ibrahim Namdari¹, Auob Amraei², Zahra Fathian³

Abstract

Among the miraculous aspects of the Holy Quran, the rhetorical subtleties in the verses of this divine book have long been the focus of scholars and scholars of Quranic sciences. One of the rhetorical topics of the Holy Quran is stylistics, which by taking advantage of the achievements of the science of rhetoric; we investigate the stylistic effects in the Holy Quran. Surah "Ghashiyeh" as one of the clear examples of a systematic language is full of verbal signs, where the harmonious words that create the internal beat of the verses and the intervals of the verses lead to the external music of the verses. In this research, based on linguistic analysis at three phonetic, lexical, and grammatical levels, we discuss the stylistics of Surah Ghashieh. The present research tries to show that it is the linguistic features in the verses of the Holy Quran that cause the change of style in the verses at different levels. Applying repetition techniques; Sajja; Puns, respect for example, and contrast emphasize rhetorical elegance in addition to melodiousness. In fact, these stylistic features make this blessed surah suitable and melodious.

Keywords: stylistics; Surah Ghashiyah; Quran; phonetic level; lexical level; grammatical level

1) Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran, (The Corresponding Author) Email: enamdari@abru.ac.ir

2) Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran, Email: a.amraei@abru.ac.ir

3) Master's student in the Department of Quranic and Hadith Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran. Email: enamdari15@gmail.com





مقاله علمی - پژوهشی، صص ۱۵۲-۱۶۵

DOR: 20.1001.1.26455714.1401.6.2.13.2

بررسی سبک‌شناسانه سوره مبارکه غاشیة

(تاریخ دریافت ۱۵-۰۸-۱۴۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۹-۱۰-۱۴۰۱)

ابراهیم نامداری^۱، ایوب امرائی^۲، زهرا فتحیان جگروئی^۳

چکیده

از جمله جنبه‌های اعجاز قرآن کریم، ظرافت‌های بلاغی در آیات این کتاب آسمانی است که از دیرباز مورد توجه علما و دانشمندان علوم قرآنی بوده است. یکی از مباحث بلاغی قرآن کریم سبک‌شناسی است که با بهره‌گیری از دستاوردهای علم بلاغت به بررسی جلوه‌های سبکی موجود در قرآن کریم می‌پردازیم. سوره «غاشیة» به مثابه یکی از نمونه‌های بارز زبانی نظام‌مند، مشحون از نشانه‌های کلامی است که کلمات متجانس آفریننده ضرب آهنگ درونی آیات و فواصل آیات به موسیقی بیرونی آیات می‌انجامد. در این پژوهش براساس تحلیل زبانی در سه سطح آوایی، واژگانی و دستوری به سبک‌شناسی سوره غاشیة پرداخته می‌شود. پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی می‌کوشد تا نشان دهد که ویژگی‌های زبانی در آیات قرآن کریم است که موجب تغییر سبک در آیات در سطوح مختلف می‌گردد. به کارگیری تکنیک‌های تکرار، سجع، جناس، مراعات‌النظیر و تضاد علاوه بر آهنگین ساختن خویش بر ظرافت بلاغی نیز تأکید دارد. در واقع این ویژگی‌های سبکی سبب تناسب مفاهیم و آهنگین ساختن این سوره مبارکه شده است.

واژگان کلیدی: سبک‌شناسی، سوره غاشیة، سطح آوایی، سطح واژگانی، سطح دستوری

سال ششم

شماره دوم

پیاپی: ۱۱

پاییز و زمستان

۱۴۰۱

(۱) دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران، (نویسنده مسئول)، ایمیل: enamdari@abru.ac.ir

(۲) استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران، ایمیل: a.amraei@abru.ac.ir

(۳) دانشجوی کارشناسی ارشد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

۱. مقدمه

قرآن کریم کتاب هدایت بشر در همه زمان‌ها و مکان‌ها بوده و شایسته است تمامی سوره‌های قرآن کریم مورد توجه و تحقیق و بررسی قرار گیرند تا در پرتو این پژوهش‌ها به اهداف عالی آن دست یافته و سبب تفکر و تعمق هر چه بیشتر در آیات این کتاب الهی شود.

سوره غاشیه یکی از سوره‌های مکی قرآن و هشتاد و پنجمین سوره قرآن است که در جزء سی‌ام قرآن جای گرفته است. این سوره را غاشیه می‌نامند؛ زیرا در آغاز آن از غاشیه سخن گفته شده است. (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۱۲۶۳/۲) غاشیه به معنای پوشاندن و یکی از نام‌های قیامت است. انتخاب این نام برای قیامت به سبب آن است که حوادث وحشتناکش ناگهان همه را زیر پوشش خود قرار می‌دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۴۸۴/۵)

این سوره با توصیفی از بهشت و دوزخ، از احوال و عاقبت کار منکران و نیز از خشنودی، شادابی و رستگاری مؤمنان سخن می‌گوید و انسان‌ها را به تفکر در شگفتی‌های آفرینش فرا می‌خواند. این سوره عمدتاً حول سه محور در چرخش است: اول بحث «معاد» است، مخصوصاً کیفرهای دردناک مجرمان و پاداش‌های شوق‌انگیز مؤمنان. محور دوم بحث «توحید» است که با اشاره به آفرینش آسمان و خلقت کوه‌ها و زمین و توجه انسان‌ها به این سه موضوع اسرار آمیز بیان شده. و محور سوم بحث از «نبوت» و گوشه‌ای از وظائف پیامبر اسلام (ص) است.

در حدیثی از پیغمبر اکرم (ص) می‌خوانیم: «هر کس آن را تلاوت کند خداوند حساب او را در قیامت آسان می‌کند.» (طبرسی، ۱۳۵۹: ۳۳۳/۱۰) و در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: «کسی که مداومت بر قرائت این سوره در نمازهای فریضه یا نافله کند، خداوند او را تحت پوشش رحمت خود در دنیا و آخرت قرار می‌دهد، و در قیامت او را از عذاب آتش امان می‌بخشد.» (ابن بابویه، بی تا: ۱۲۲) مسلماً این همه ثواب و فضیلت در صورتی عائد می‌شود که تلاوت انگیزه اندیشه و عمل گردد.

علامه طباطبایی دقت در مخلوقات الهی در این سوره را از محورهای اصلی آن و غرض از آن را توجه به ربوبیت خداوند دانسته است، توجهی که لازمه‌اش عبودیت اوست و لازمه عبودیت حسابرسی به اعمال مؤمنان و کافران در روزی است که یکی از ویژگی‌هایش غاشیه است، یعنی فراگرفتن ناگهانی مردم با حوادث هولناکش یا فراگرفتن کافران با عذاب. (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۲۷۳/۲۰-۲۷۴) نویسنده تفسیر نور داشتن روحیه تفکر در خلقت را مفید و نتیجه بخش دانسته و یادآور شده که اگر روحیه تفکر در انسان باشد، همه هستی کلاس درس است و حتی چوپان در بیابان هم گویی در بزرگترین کتابخانه‌های دنیاست؛ که با دقت در زمین زیر پایش و آسمان بالای سرش و کوه‌های اطرافش و شترهای پیش رویش می‌تواند اسرار زیادی را کشف کند. مثلاً شتر از اسب بیشتر می‌دود، از الاغ بیشتر بار می‌برد. در میان حیوانات بعضی برای سواری، بعضی برای گوشت و بعضی برای شیر مورد استفاده قرار می‌گیرند، ولی شتر همه

چیزش قابل استفاده است. پلک‌هایش در برابر باد و خاک بیابان مقاوم است، در کوهان خود چربی و غذا را ذخیره کرده و در برابر گرسنگی مقاوم است. در بدنش آب را نگهداری کرده و در برابر تشنگی مقاوم است، راه را می‌داند، چنان رام است که صدها شتر تسلیم یک ساربان می‌شوند، کف پای او برای ریگزار آفریده شده، گردن او پله سوار شدن و اهرم بار برداشتن و خلاصه به قول عرب‌ها، شتر کشتی بیابان هاست. قوی‌ترین، کم‌خرج‌ترین، پرفایده‌ترین و آرام‌ترین و بردبارترین حیوان است. (قرائتی، ۱۳۸۳: ۱۸۹)

قرآن به مثابه یک متن، موضوع علم زبان‌شناسی است؛ اما باید توجه داشت، قرآن یک متن عادی نیست؛ بنابراین دانش‌های زبانی باید چون ابزار در خدمت مطالعه و فهم قرآن قرار بگیرد. سبک‌شناسی شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که کاربرد عمده آن در جنبه ادبی متون است. به عبارتی دیگر، سبک‌شناسی مطالعه جنبه عاطفی زبان است که دلایل انتخاب یک سبک خاص و رابطه آن با معنای مد نظر نویسنده بررسی می‌شود. تغییر سبک یکی از ویژگی‌های زبان است که در سطوح مختلف زبانی رخ می‌دهد. در قرآن کریم به دلیل تنوع موضوع و تکرار آن در سوره‌های مختلف، سبک‌های مختلفی برای بیان موضوعات به کار رفته است؛ بنابراین تغییر سبک در سطوح مختلف زبانی، فراوان رخ داده است. این تغییرات در سوره‌های مکی نمود بیشتری دارد. (آزادی و نیکخواه، ۱۳۹۷: ۸۶) در این پژوهش براساس تحلیل زبانی در سه سطح آوایی، واژگانی و دستوری سبک‌شناسی سوره غاشیه بررسی می‌شود.

۱.۱. پیشینه تحقیق

از اوایل قرن ۲۱ سبک‌شناسی در مسیر رشد و شکوفایی قرار گرفت و با تحولات زبان‌شناسی، زبان‌شناسان نیز به آن توجه ویژه‌ای کردند. سبک‌شناسی در ایران نیز پیشینه طولانی ندارد و برای اولین بار، محمدتقی بهار با تألیف کتاب سبک‌شناسی آن را پایه‌گذاری کرد؛ بنابراین عرصه مطالعات قرآنی نیز پژوهش‌های سبک‌شناسانه محدودی را داراست که در اینجا به چند مورد اشاره شده است:

مؤمن نژاد و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «سبک‌شناسی سوره نازعات» ضمن پرداختن به سبک‌شناسی سوره نازعات، ویژگی‌های ادبی موجود در سوره از قبیل تقدیم و تأخیر، حذف، التفات و زمان افعال را به عنوان ویژگی‌های برجسته سبکی موجود در این سوره بر شمرده و به این نتیجه رسیده‌اند که تناسب مفاهیم و مضامین موجود در سوره با موسیقی عبارات آیات، نشان از ظرافت بلاغی موجود در این سوره مبارکه است؛ رحمانی و سلیمی (۱۳۹۵) در مقاله «سبک‌شناسی سوره سبأ» در سه سطح آوایی، ترکیبی و تصویرپردازی به بررسی سوره سبأ پرداخته و نتیجه پژوهش آن که در این سوره واژگان در جایگاه خود قرار گرفته‌اند و از صوت حروف مد و حروف مفخمه برای بیان حالات مختلف مثل

شکایت و یا تعظیم استفاده شده است و این که تصاویر حقیقی و بلاغی در این سوره معانی را در ذهن مخاطب تثبیت می‌کند و هماهنگی بین آن‌ها، زیبایی آیات این سوره را آشکار می‌کند؛ خاقانی اصفهانی و اصغری (۱۳۸۹) در مقاله «سبک‌شناسی سوره مریم» بر پایه دانش زبان‌شناسی و سبک‌شناسی و با تکیه بر دانش بلاغت به تحلیل و بررسی رابطه بین واژگان، ترادف، مشترک لفظی، تکرار، افراد، جمع، تعریف، تنکیر، و استفهام و آواشناسی در سوره مریم (ع) پرداخته، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در این سوره تمامی واژگان در جایگاه ویژه خود قرار گرفته‌اند به طوری که وقتی قصد بزرگ جلوه دادن کاری باشد واژه به صورت نکره آمده و اگر قصد توضیح و شرح باشد واژه به صورت معرفه آمده است؛ نظری و لطفی (۱۳۹۲) در مقاله «سوره مبارکه الرحمن از منظر سبک‌شناسی» به بررسی عناصر سبکی در سه سطح آوایی، نحوی، تصویرپردازی و میزان انسجام این سطوح با یکدیگر پرداخته؛ یافته‌های پژوهش نشان از اثرگذاری بیشتر در مخاطب و هماهنگی و توازن در نتیجه انسجام آوایی و اسلوب بیانی دقیق و جملات هماهنگ در نتیجه سطح نحوی و تصویرپردازی، دارد؛ همچنین آزادی و نیکخواه (۱۳۹۷) در مقاله «سبک‌شناسی سوره واقعه بر اساس تحلیل زبانی» به عنصر تکرار که بیشترین نقش را در انسجام زبانی داراست، اشاره می‌کنند همانطور که التفات، تضاد و ساختار جملات اسمیه و فعلیه در این سوره را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ علاوه بر پژوهش‌های فوق‌الذکر به چند پژوهش دیگر به صورت مختصر اشاره می‌گردد: خدابخش نژاد و دیگران (۱۳۹۷) «سبک‌شناسی لایه‌ای سوره مبارکه نبأ (لایه نحوی، آوایی و واژگانی)»؛ قلاوند (۱۳۹۱) «بررسی سبک‌شناختی در سوره انعام»؛ بهرامیان (۱۳۹۲) «بررسی سبک‌شناسی سوره توبه»؛ بنایی (۱۳۹۳) «سبک‌شناسی سوره مبارکه «یس»»؛ مرادی کتولا (۱۳۹۴) «سبک‌شناسی سوره حج از سه منظر (زبانی، ادبی و فکری)»؛ جرفی و محمدیان (۱۳۹۳) «بررسی سوره «عبس» از دیدگاه سبک‌شناسی گفتمانی میشل فوکو»؛ خاقانی اصفهانی و جلیلیان (۱۴۳۳) «ومضات أسلوبیه فی سوره الرحمن».

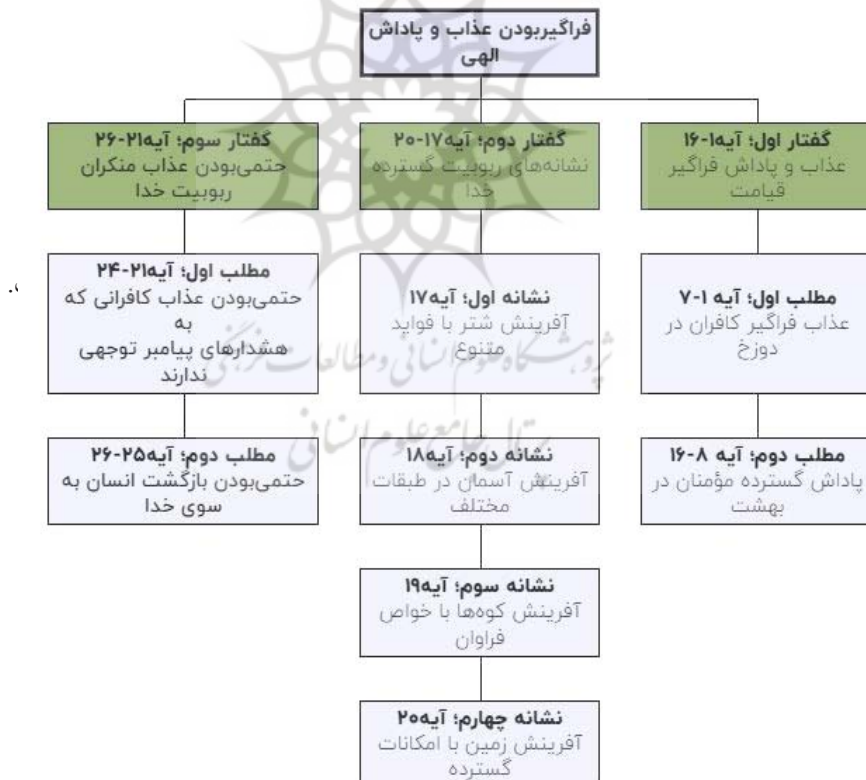
کتاب‌هایی نیز در زمینه سبک‌شناسی قرآن کریم تألیف شده است که به چند نمونه اشاره می‌شود: حسین عبدالرئوف (۱۳۹۰) سبک‌شناسی قرآن کریم ترجمه پرویز آزادی؛ همچنین سبک‌شناسی اعجاز بلاغی قرآن از محمدکریم کواز (۱۳۸۶) ترجمه سیدحسین سیدی.

چنانچه در سوابق پژوهشی موضوع مشاهده می‌شود، سبک‌شناسی در سوره‌های مختلفی انجام شده است؛ اما در سوره غاشیه صورت نگرفته است. پژوهش‌های مشابهی هم که در سوره غاشیه انجام گرفته است، ناظر به جنبه‌ای از موضوع پژوهش است. نکته‌ای که نباید از آن غافل بود، این است که در سبک‌شناسی قرآن کریم، به دلیل مواجه شدن با پژوهشی میان رشته‌ای ضعف‌های عمده‌ای وجود دارد. پژوهشگران زبان و ادبیات عرب بیشتر آثار مرتبط با سبک‌شناسی قرآنی را انجام داده‌اند. به همین دلیل، بیشتر جنبه ادبی دارد و کمتر وارد محتوا و بحث‌های معرفتی آیات شده‌اند. در برخی نمونه‌ها، با توجه به ضعف در

رویکرد تفسیری، برداشت‌ها و تحلیل‌ها ذوقی است و چندان روشمند نیست. تنها اثر مهمی که نزدیک به پژوهش حاضر است، سبک‌شناسی قرآن کریم از حسین عبدالرئوف است که هم دارای جنبه زبانی و ادبی غنی است و هم با رویکرد تفسیری و تسلط بیشتر دلایل سبکی و تحلیل آن بیان شده است. اگرچه این اثر گام مهمی در راستای پیوند سبک‌شناسی و قرآن کریم برداشته است؛ ولی هنوز الگویی در پژوهش‌هایی از این قبیل نیست و نیازمند روشمندسازی بیشتری است. همچنین تحلیل زبانی این کتاب چارچوب و نظم روشمندی ندارد؛ بنابراین تکمیل و ترسیم روش تحقیق با الگو گرفتن از پژوهش‌های پیشین در اثری مستقل ضروری است. در این پژوهش سعی می‌شود، سبک‌شناسی در حوزه مطالعات قرآنی به‌ویژه تفسیر، بومی‌سازی شود تا گامی مؤثر برای روشمندسازی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در حوزه علوم قرآن باشد.

۲.۱. پرسش‌های پژوهش

این پژوهش درصدد پاسخ به سوالات زیر است:



۲. سبک‌شناسی

از نظر لغوی؛ واژه «سبک» واژه‌ای عربی است که به معنای گذاختن و به قالب ریختن زر و نقره است و پاره نقره گذاخته را «السبکیه» می‌نامند. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۳۸/۱۰) معادل انگلیسی واژه سبک؛ «style» به معنای وسیله‌ای با نوک فلزی برای نوشتن روی صفحات نرم است. (Webster, ۱۹۷۲, p. ۱۸۱۰) در اصطلاح ادبی سبک به طور کلی به شیوه خاص سخن، شعر و نثر گفته می‌شود. سبک اصطلاحی قدیمی است، ولی سبک‌شناسی در چند قرن اخیر بوجود آمده است. با توجه به این‌که رویکردها و دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به سبک‌شناسی وجود دارد، تعاریف متفاوتی از آن صورت گرفته است. افلاطون اولین شخصی است که به مقوله سبک اشاره کرده است. از نظر افلاطون؛ زمانی سبک ایجاد می‌شود که معنایی صورت مناسب خود را پیدا کنند. بعد از افلاطون، ارسطو در کتاب «فن سخنوری» به مسئله سبک پرداخت. در بین پژوهشگران ایرانی ملک الشعرای بهار نخستین کسی است که با تألیف کتاب سه جلدی «سبک‌شناسی» به مفهوم دقیق کلمه سبک در ادبیات و نثر فارسی پرداخت و سبک‌شناسی را در ایران به مفهوم دقیق، پایه‌گذاری کرد.

برخی در تعریف سبک‌شناسی به بررسی گزینش‌ها و شگردهای زبانی تأکید دارند مانند جوزف میسترک «سبک‌شناس چک» که می‌گوید: «سبک‌شناسی عبارت است از بررسی گزینش‌ها و روش‌های بکارگیری از زبان شناسی، فرازبان و شگردهای شناخت زیبایی‌ها، صناعات و شگردهای خاصی که در ارتباط کلامی به کار می‌رود.» برخی دیگر به نقش زبان در تعریف خود اشاره دارند؛ برای نمونه پل سیمپسون می‌گوید: «سبک‌شناسی روشی از تحلیل متنی است که در آن زبان از جایگاه برتری برخوردار است.» (Simpson, ۲۰۰۴: ۲)

تعریف سبک‌شناسی از دیدگاه نو بررسی شرایط کلامی و صورتی ادبی است. سبک‌شناسی به محتوای ادبیات کاری ندارد بلکه به محتوای بیان به عنوان ابزار صوتی یا طرز واژه چینی می‌نگرد. به طور خلاصه سبک‌شناسی پیکره محتوا و پیکره بیان است. سبک‌شناسی یعنی شناخت واژه‌ها؛ نه جدا جدا بلکه در ارتباط با یکدیگر.

پیتروردونک^۱ مشخصه سبک را «بیان زبان مشخص» و سبک‌شناسی را تحلیل چنین بیانی و توصیف هدف و تأثیرات آن بیان می‌کند. (Burke, ۲۰۱۴: ۵۱۸) در واقع سبک‌شناسی شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که ویژگی‌های متنوع زبانی را بررسی می‌کند و در تلاش است قواعدی را برای گزینش‌های ویژه اشخاص یا گروه‌های اجتماعی از زبان فراهم کند. به عبارت دیگر؛ سبک‌شناسی بخشی از زبان‌شناسی است که تنوع در زبان را بررسی می‌کند. (Crystal, ۲۰۰۸: ۶۶۰)

تحقیقات حاکی از پیوند تنگاتنگ معیارهای علم سبک‌شناسی و علوم بلاغت کهن است به این معنا که علمای بلاغت ابتدا به مانند سبک‌شناسان امروزی به بررسی متون آثار ادبی

1) Peter Verdonk.

می‌پرداختند. البته توجه علما معطوف به نمونه‌های کلامی برتر مثل قرآن کریم و آثار شعرا و نویسندگان طراز اول بود. تحلیل سبک‌شناسی زبان متن در روشن نمودن دیدگاه‌های نویسنده و افکار و اندیشه او سهیم است و معنای موجود در متن را برای ما مشخص می‌کند.

۳. ساختار کلی سوره غاشیه

سوره مبارکه غاشیه در مکه نازل شده و ۲۶ آیه دارد. (و هشتاد و هشتمین سوره از سوره قرآن کریم است) این سوره عمدتاً حول سه محور در گردش است:

۱. **بحث معاد:** این محور کیفرهای دردناک مجرمان و پاداش‌های شوق‌انگیز مؤمنان را یادآور می‌شود.

۲. **بحث توحید:** این محور با اشاره به آفرینش آسمان و خلقت کوه‌ها و زمین، توجه انسان را به این سه موضوع اسرارآمیز جلب کرده است.

۳. **بحث نبوت:** این محور گوشه‌ای از وظایف پیامبر (ص) را بیان می‌کند و در مجموع اهداف سوره‌های مکی را که تقویت مبانی ایمان و اعتقاد است تعقیب می‌کند.

مجمع البیان درباره ارتباط این سوره با سوره قبل می‌گوید: چون خداوند سبحان آن سوره را به ترتیب در آخرت پایان داد و این که آن بهتر از دنیا است این سوره را نیز به بیان احوال آخرت شروع نمود. علامه در بیان این سوره می‌گوید:

سوره غاشیه سوره انذار و بشارت است و غاشیه همان روز قیامت است که بر مردم از هر سو احاطه پیدا می‌کند و در این سوره قیامت را به همراه شرح حال مردم توصیف می‌کند از این جهت که به دو دسته تقسیم می‌شوند سعیدها و اشقیاء و هر طائفه‌ای در جایی که برایشان آماده شده مستقر می‌گردند یکی در بهشت و دیگری در دوزخ. (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۲۵۵/۲۰)

۴. تحلیل زبانی سوره غاشیه

در این بخش ویژگی‌های سبکی سوره مبارکه غاشیه در سه سطح آوایی؛ واژگانی و دستوری مورد بررسی قرار می‌گیرد و در هر موردی که تغییری در سبک یا سطوح مختلف زبانی رخ داده باشد، ارزیابی و تحلیل می‌شود.

۴. ۱. سطح آوایی

آهنگ درونی واژگان و هماهنگی و نظام آوایی آن‌ها در ساختار زبانی، نظامی موسیقایی به وجود می‌آورد که در این ساختار، فضا برای «رستاخیز کلمات» و بالندگی و رشد معنایی واژه‌ها گسترده‌تر می‌شود. (علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۷۳)

توجه به نظم آهنگ آیات؛ موسیقی پایان آیه‌ای، توجه به معانی حروف، صفات حروف، توجه به سجع و توازن آوایی از جمله ویژگی‌های سبکی است که در سطح آوایی مدنظر قرار

می‌گیرد. در سوره غاشیه با توجه به مکی بودن آن؛ کاربرد صامت‌هایی مانند انواع تنوین رفع، نصب و جر، سبب ضرب آهنگ و موسیقایی درونی کلمات گشته است. سویه فراز و فرود آهنگ‌ها که از تفاوت تنوین رفع و جر و نصب در کلمات «وجوه، یومئذ، خاشعه، نارا، حامیه» حاصل می‌شود از آن حکایت دارد که صاحب سخن در پی جلب نظر و توجه مخاطب است و از آنجا که مدار موسیقی (به معنی تمام کلمه) بر تنوع و تکرار استوار است، هر کدام از جلوه‌های تنوع و تکرار در نظام آواها که از مقوله موسیقی بیرونی (عروضی) و کناری (قافیه) نباشد؛ در حوزه مفهومی این موسیقی قرار می‌گیرد. متن قرآن فارغ از قافیه است، اما فواصل آیات باعث موسیقایی بیرونی می‌شود. در این سوره پدیده تکرار، انواع جناس‌ها و چیدمان حروف سبب این موسیقایی بیرونی شده است که به اختصار به آن اشاره می‌شود.

تکرار جمله؛ کلمه و حرف و نیز چگونگی ترکیب حروف. دلالت‌های لفظی نیز در این موسیقایی نقش دارند. تکرار در حقیقت؛ اصرار بر جنبه مهمی از سخن است که با آن نقطه حساس سخن برجستگی و بروز ویژه‌ای می‌یابد. این تکرار می‌تواند در سطوح مختلف حرفی، واژگانی، کلامی و ساختاری رخ دهد.

بنیاد جهان و حیات انسان همواره بر تنوع و تکرار است؛ در نسبت خاصی از این تنوع و تکرارهاست که موسیقی مفهوم خود را باز می‌یابد. تأثیر گونه‌هایی از تکرار در ترکیب یک اثر هنری گاه تا بدان پایه است که در مرکز خلاقیت یک گوینده قرار می‌گیرد. (شفیعی کدکنی، ۳۸۵: ۳۹۴)

واکوی میزان حضور واژگان تکراری در برخی آیات این سوره؛ علاوه بر موسیقی زیبایی که پدید می‌آورد؛ دال بر آن است که خداوند برای تثبیت و گسترش مفهوم مورد نظر خویش در ذهن مخاطب که همانا نشان‌دادن بزرگی و قدرت خویش است؛ از تکرار بهره مند است. به عنوان مثال: در آیات ﴿إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ﴾ ﴿ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ﴾ (غاشیه/ ۲۵-۲۶) نیز خداوند با بهره‌گیری از این فن بهترین تکرار حرف تأکید «إِنَّ» و از رهگذر تقدیم خبر (إِلَيْنَا-عَلَيْنَا) بر اسم (إِيَاب-حساب)؛ «إِنَّ» بر قطعیت و حصر بازگشت بندگان به سوی خداوند تأکید می‌کند. این تکرارها با عنوان سوره تناسب داشته و از وحدت موضوع سوره حکایت می‌کند.

همانطور که در نمونه بالا ملاحظه کردید تکرار کلمات به تکرار ترکیب و ساختار کلام منجر می‌شود و این تکرار منجر به تعامل عبارات با یکدیگر می‌گردد و سبب ایجاد هم وزنی و توازن می‌شود. (موسی، ۲۰۰۳: ۲۰)

جناس یکی دیگر از مقوله‌هایی است که سبب ضرب آهنگ در آیات می‌شود؛ جناس در واقع تشابه لفظی بین دو کلمه است. اگر نوع، تعداد، شکل و ترتیب کلمات کاملاً یکسان باشد جناس از نوع تام است؛ در غیر این صورت جناس ناقص است. (تفتازانی، بی‌تا: ۴۵۸-۴۶۱) جناس به دو نوع ازدواجی و سجعی تقسیم می‌شود. جناس ازدواجی به

صورتی است که در آن کلمات از نظر زمانی که در آن بیان می‌گردد هم شکل و در وزن هم با یکدیگر برابرند، اما جناس سجعی در مکان نشان داده می‌شود؛ یعنی کلمات متجانس در صداها و حروف با هم مشترک هستند. (طیب، ۲۰۰۰: ۵۷۱/۲-۵۷۲)

به عنوان مثال واژگانی همچون «غاشیة، خاشعہ»، «عامله، ناصبه»، «حامیه، آتیه»، «راضیه، عالیہ»، «لاغیہ، جاریہ» و «مرفوعه، موضوعه»، «مصفوفه، مبنوثة»، «مذکر، مصیطر» همگی واژگانی هستند که زمان و صرف وقت تلفظ آنها با هم برابر است و جزء جناس ازدواجی محسوب می‌شوند. از طرفی؛ با هم آمدن واژگانی همچون «غاشیة، خاشعہ»، «مرفوعه، موضوعه»، «ایابهم، حسابهم»، «ضریع، جوع»، «مذکر، مصیطر»، «کفر، اکبر»، «ذکر، مذکر»، «یعدب، عذاب»، نمونه‌هایی از جناس سجعی اسن. بنابراین وجود واژگان هم‌شکل سبب نوعی هماهنگی و وحدت می‌شود و در آهنگین ساختن آیات نقش بسزایی دارد. (ابن عاشور، بی تا: ۴۲)

صنعت «مراعات نظیر» یا «تناسب» یکی دیگر از عواملی است که سبب ایجاد ضرب‌آهنگ در آیات می‌شود. به عبارتی چیدمان واژگان به صورتی است که واژگانی که یک موضوع واحد دارند و به نوعی در یک مجموعه قرار گرفته‌اند با هم آورده می‌شوند و با تناسب خود سبب خلق موسیقی معنوی و ضرب‌آهنگ آیات می‌شود. (براتی، ۱۳۸۷: ۱۲ و ۱۳، به نقل از محسنی).

۴. ۲. سطح واژگانی

در سطح واژگانی علاوه بر کلمه «غاشیة» کلماتی چون «خاشعہ، عامله، ناصبه، ناعمه، راضیه، عالیہ، جاریہ، مرفوعه، موضوعه، مصفوفه و مبنوثة» همگی کلمات یا نشانه‌هایی هستند که قطعیت رویدادها و ویژگی‌های قیامت و همچنین بر ثبات و پایداری آنها دلالت دارد.

علاوه بر آن واژه‌هایی همچون «تسقی» و «تصلی» مدلول آنها با سویه‌های نظیر آنها یعنی «تشرّب» و «تضرم» تناسب دارد. در میان واژگان گزینش کلمه «إبل» سویه‌ای است که درنگ و تأمل را می‌طلبد؛ چراکه در گزینش «قبل» به عنوان شاهد تدبیر و قدرت خداوند رمزی نهفته است.

تحلیل این نشانه بر اساس محور جانشینی مدلول پنهان کلام را معلوم می‌سازد؛ ثعلبی در تفسیر خود در مورد دلیل این گزینش آورده است: اعراب هرگز چارپایی بزرگ‌تر از شتر را ندیده‌اند و فیل را نیز همه ندیده‌اند و با نقل قولی از کلبی می‌گوید شتر با بارش برمی‌خیزد در حالی که زانو زده است. قناده گوید خداوند ارتفاع تخت‌های بهشتی را ذکر نمود و منکران گفتند چگونه بالا می‌رویم؟ و خداوند این آیه را نازل فرمود.

فخر رازی در تفسیر کبیر خود، درباره امتیازات این حیوان که به انتخاب آن انجامیده آورده است:

«خداوند این حیوان را به گونه‌ای آفریده که انسان برای بهره‌برداری‌های گوناگون به

سراغش می‌رود: از گوشت او می‌خورد از شیر او می‌نوشد، بار سفرش را بر پشت او حمل می‌کند و گاهی سرمایه و مایه زینت زندگی که چنین خواصی در هیچ حیوانی فراهم نیست و در تبیین این خواص آیاتی از قرآن را می‌آورد.» (رازی، ۱۹۸۲: ۱۴۳/۳۱)

همچنین واژگان «سرر، اُکواب، غارق و زرایی» در بیان پاداش اخروی و پذیرایی از بهشتیان اشتراک دارند و کلمات «سما، ارض و جبال» همگی نشانه‌هایی هستند که مدلول آن‌ها بیان قدرت خداوند و امکان وقوع قیامت است.

۴.۳. سطح دستوری

دو ابزار مهم در تحلیل سبک‌های متن صرف و نحو است. تغییرات نحوی دگرگونی‌های سبکی را پدید می‌آورد. دو ترکیب متمایز از نظر ساختاری معناهای متفاوتی را القا می‌کند؛ تغییراتی که در ساخت واژه پدید می‌آید، سبک را دگرگون می‌کند. توجه به ریشه و معناهای مختلف مشتقات یک واژه که انتخاب ساخت واژه را با توجه به محتوای آیات تحت تأثیر قرار می‌دهد. توجه به تغییرات دستوری مانند تغییر در حروف ربط، جملات اسمیه و فعلیه، اسم‌های فاعل و مفعول، نقش عمده‌ای در تحلیل تغییرات سبکی در این سطح دارد.

در آیه نخست ﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ﴾ (غاشیه/۱) استفهام به کار رفته است؛ اما نه به منظور سؤال جدی بلکه به منظور مهم جلوه دادن مطالب است. در آیه سوم؛ واژه «عامله» خبر از خبری است که از جوه داده و همچنین کلمه «ناصبه» که بعد از عامله آمده و نیز کلمه «تصلی» در آیه چهارم و «تسقی» در آیه پنجم و «لیس لهم» در آیه ششم؛ همه خبرهایی هستند برای کلمه «و جوه» ممکن است مراد از کلمه «و جوه» صاحبان جوه و چهره‌های برجسته باشد؛ یعنی چهره‌های شاخص هر یک از دو گروه نیک و بد. (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۴۵۶/۲۰)

در سطح نحوی، مدلول بسیاری از جمله‌های این سوره، از نظر محور هم‌نشینی، نوع جملات، کوتاهی و بلندی، اسمیه و فعلیه بودن شناسایی می‌شود. در محور هم‌نشینی که بین مجموعه واژگان، واژه متناسب با ساختار را بر می‌گزینند. واژگان گزینش شده در یک مسیر خطی کنار هم قرار می‌گیرند و ترکیب نوشتاری جدیدی را به وجود می‌آورند.

در آیات ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ﴾ «عامله ناصبه» ﴿تَصَلَّىٰ نَارًا حَامِيَةً﴾ «تسقی من عین آنیه» ﴿لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيحٍ﴾ «لا یسمن ولا یغنی من جوع» (غاشیه/۲-۷) کلمه «و جوه» مبتدا و واژه‌های «خاشعۀ»، «عامله»، «ناصبه» صفت آن و فعل «تصلی»، «تسقی» و «لیس» خبرهای این مبتدا هستند. از آنجا که خبر این مبتدا به صورت فعل آورده شده است، این نوع جمله سویه‌هایی هستند که تجدد و حدوث وقایع قیامت را می‌رسانند و در آیات ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ﴾ «لسعیها راضیه» ﴿فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ﴾ (غاشیه/۸-۱۰) کلمه جوه مبتدا و «راضیه» خبر آن جمله اسمیه با خبر مفرد، سویه‌ای است که بر ثبوت و دوام این رضایت و خوشنودی دلالت دارد و آیات ﴿فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ﴾ «فیها سرر مرفوعه» ﴿وَأَكْوَابُ

مَوْضُوعَهُ ﴿وَنَمَارِقٍ مَّصْفُوفَةٍ﴾ ﴿وَوَرَابِيهٍ مَبْنُوثَةٍ﴾ (غاشیه/۱۲-۱۶) که «عین» مبتدا و «فیها» شبه جمله و خبر، سویه‌ای است که بر تجدد و تداوم جریان چشمه‌های بهشتی دلالت دارد. هم‌چنین آیات ﴿إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ﴾ ﴿ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ﴾ (غاشیه/۲۵-۲۶) جمله‌های مؤکد اسمیه نشان از قطعیت حضور همگان در قیامت و حتمیت حسابرسی دارد.

علاوه بر این‌ها، آیات این سوره؛ از نظر کوتاهی و بلندی؛ آنجا که به توصیف جهنم می‌پردازد، توصیف‌ها کوتاه است، ولی آنگاه که به وصف بهشت می‌رسد سخن به درازا کشیده می‌شود. این نوع سخن به‌مثابه یک دال می‌تواند نشان این مطلب باشد که خداوند در ذکر صفات دوزخ و دوزخیان اکراه دارد و سعی می‌نماید که گذرا به آن اشاره کند اما آنگاه که به بهشتیان می‌رسد آن را با جزئیات توصیف می‌کند. (طبرسی، ۱۳۵۹: ۴۸۱/۵)

۵. نتیجه گیری

قرآن کریم، کلام جاویدان آسمانی است، که از هر سو به آن بنگریم، جلوه‌ای بدیع از پرتو حسنش بر ما آشکار می‌گردد. اعجاز این کتاب هستی‌بخش، به اندازه‌ای است که منشأ پیدایش دانش‌های فراوانی گشته است. یکی از جلوه‌های زیبا و جذاب از قرآن کریم، علم سبک‌شناسی است. سبک‌شناسی از بهترین علمی است که با دانش‌های دیگری چون: بلاغت و ادبیات، نحو و تصویرآفرینی به کشف سبک و اسلوب می‌پردازد. در حقیقت سبک‌شناسی، روابط زبانی موجود در متن ادبی را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. مهم‌ترین ویژگی‌های روش سبک‌شناسی به ویژه سبک‌شناسی در متون ادبی که قرآن در مرتبه نخست این متون قرار گرفته است، کشف روابط زبانی در متن و کشف پدیده‌های خاصی است که ویژگی‌های بارز آن متن را به وجود می‌آورد. در پژوهش حاضر نیز هدف، بررسی مشخصه‌ها و ویژگی‌های سبکی و تبیین روابط درون‌متنی سوره «غاشیه» بود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که سبک قرآن، وحدت و هماهنگی شایان توجهی دارد که این وحدت از عوامل و مختصات تکرار شونده و جلب نظرکننده ناشی می‌شود؛ عواملی که نسبتاً آشکار اما غالباً پنهان و پوشیده‌اند. بررسی آوایی این سوره وجود نوعی توازن موسیقایی در ایقاع آن را ثابت می‌کند. تکرار بعضی صوت‌ها و واژگان در افزایش موسیقی و اثرگذاری آوایی سوره غاشیه مؤثر بوده است. این صوت‌ها و حروف در واژگان دارای هماهنگی‌اند و کلمات هم در سیاق خاص خود و بجا قرار گرفته‌اند. در سطح معنایی نیز، واژگان سوره به ویژگی‌هایی چون دقت بسیار در انتخاب، وسعت دلالت و معنی، برانگیختن خیال، و قوت و شدت در اثرگذاری بر مخاطب - شنونده یا خواننده - مزین است. ویژگی‌های زبانی قرآن کریم در سطوح آوایی؛ واژگانی و دستوری سبک ساز هستند و سبب تغییر در سبک آیات می‌شوند. این سه سطح در سبک آیات این سوره به اندازه‌ای تأثیرگذار است که با توجه به اسرار نهفته در آیات قرآن، تبیین و فهم سبک آیات بدون آگاهی از این سطوح و قواعد امکان‌پذیر نیست.

کتابنامه

- قرآن کریم.
 - ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین (بی تا): «ثواب الأعمال و عقاب الأعمال»، قم: انتشارات شریف رضی.
 - ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا): «التحریر و التئویر»، تونس: الدار التونسیه للنشر.
 - ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق): «لسان العرب»، چاپ سوم، بیروت، دار صادر.
 - آزادی، پرویز و سهیلا نیکخواه (۱۳۹۷ش): «سبک شناسی سوره واقعه براساس تحلیل زبانی» پژوهش های زبان‌شناختی قرآن، دوره ۷، شماره ۱، آذر ۲۰۱۸، صص ۸۶-۶۵.
 - براتی، محمود و مریم نافلی (۱۳۹۲ش): «موسیقی درونی در شعر پایداری؛ نمونه شعر فرید قادر طهماسبی». نشریه ادبیات پایداری. شماره ۳ و ۴. صص ۶۱-۹۰.
 - تفتازانی، سعد الدین (بی تا): «المطول»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 - خامه گر، محمد (۱۳۹۲ش): «ساختار سوره‌های قرآن کریم»، تهیه مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت نورالتقلین، قم: نشر نشر.
 - خرمشاهی، بهاء الدین (۱۳۷۷ش): «دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی»، تهران: ناهید.
 - رازی، فخرالدین (۱۹۸۲م): «التفسیر الکبیر»، بیروت: دار الکتب العلمیه.
 - شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۱ش): «رستاخیز کلمات»، تهران: نشر سخن.
 - طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۷ش): «تفسیر المیزان»، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 - طبرسی، ابوعلی الفضل ابن الحسن (۱۳۵۹ش): «مجمع البیان»، تهران: مؤسسه انتشارات فراهانی.
 - طیب، عبدالله (۱۹۷۰م): «المرشد إلى فهم أشعار العرب و صناعتها»، بیروت: دار الفکر.
 - علوی مقدم، مهیار (۱۳۷۷ش): «نظریه‌های نقد ادبی معاصر»، تهران: انتشارات سمت.
 - قرائتی، محسن (۱۳۸۳ش): «تفسیر نور»، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
 - مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲ش): «برگزیده تفسیر نمونه»، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
 - موسی، خلیل (۲۰۰۳م): «بنیه القصیده العربیه المتکامله»، دمشق: منشورات اتحاد الکتاب العرب.
 - Burke, Michael. (2014), The Routledge Handbook of Stylistics, Routledge.
 - Crystal, David. (2008), A Dictionary of Linguistics and Phonetics (6th edn), Oxford, Blackwell.
 - Simpson, Paul. (2004), Stylistics: A Resource Book for Students, Routledge, London.
 - Simon and Schuster. (1972), Webster's New Twentieth Century Dictionary (2th edn), New World Dictionaries.

Bibliography

- Ibn Babouyeh, Muhammad bin Ali bin Hussain (No date). "The rewards of actions and the eagle of actions", Qom: Sharif Razi Publications.
- Ibn Maanzoor, Muhammad Ibn Makram (1414AH). "The Arab Language", the third edition, Beirut, Dar Sadir.
- Al-Razi, Fakhreddin (1397SH). "Al-Tafsir al-Kabir", Beirut: Dar al-Katb al-Alamiya.
- Ibn Ashur, Muhammad Ibn Tahir (No date). "Al-Tahrir and Al-Tanweer", Tunisia: Al-Dar Al-Tunsie Publishing House.
- Barati, Mahmoud and Maryam Naffi (1392SH). "Inner music in the poetry of sustainability; An example of Farid Qadir Tahmasabi's poem. Journal of sustainability literature. No. 3 and 4. pp. 61-90.
- Taftazani, Saad al-Din (No date). "Al-Mutwal", Beirut: Dar Ihya Al-Tarath al-Arabi.
- Khamegar, Mohammad (1392SH). "Structure of the Surahs of the Holy Qur'an", prepared by the Cultural Institute of Qur'an and Atrat Noor al-Saqlain, Qom: Nashra Publishing House.
- Khorramshahi, Bahauddin (1377 SH). "Encyclopedia of Quran and Quran Studies", Tehran: Nahid.
- Azadi, Parviz and Soheila Nikkhah 1396 SH). "The Stylistics of Surah Al-Wakeh based on Linguistic Analysis" Qur'an Linguistic Studies, Volume 7, Number 1, Azar 2018, pp. 65-86 Shafi'i Kodkani, Mohammad Reza (2013), Resurrection of Words, Tehran: Sokhn Publishing House.
- Tabatabai, Mohammad Hossein (1387 SH). "Tafsir al-Mizan", Qom: Islamic Publications Office. Tayeb, Abdullah (1970). "Al-Murshid to understand Arab poems and industries", Beirut: Dar al-Fikr.
- Tabarsi, Abu Ali al-Fazl Ibn al-Hassan (1359 SH). "Al Bayan Assembly", Tehran: Farahani Publications Institute.
- Alavi Moghadam, Mahyar (1377 SH), "Theories of Contemporary Literary Criticism", Tehran: Samt Publications.
- Moussa, Khalil (2003). "Banieh al-Qasidah al-Arabiyyah al-Mutakamalah", Damascus: Ittihad al-Kitab al-Arab leaflets.
- Qaraati, Mohsen (1383 SH). "Tafseer Noor", Tehran: Lessons from Quran Cultural Center.
- Makarem Shirazi, Nasser (1382 SH). "Selected interpretation of the sample", Tehran, Dar al-Katb al-Islamiya.
- Burke, Michael. (2014), The Routledge Handbook of Stylistics, Routledge.
- Crystal, David. (2008), A Dictionary of Linguistics and Phonetics (6th edition), Oxford, Blackwell.
- Simpson, Paul. (2004), Stylistics: A Resource Book for Students, Routledge, London.
- Simon and Schuster. (1972), Webster's New Twentieth Century Dictionary (2nd edition), New World Dictionaries.